

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوهستان

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲۱ خرداد ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۶

## (( یک دسته مر موز !! ))

چند روز قبل از سقوط دولت آقای مکی دستور احضار فرمانده لشکر کردستان صادر شد معلوم نشد آیا هواداران او از فرستادگی کابینه استفاده کرده احضار شده بودند یا حاضر نشد بملت و غمناک اوضاع کردستان را ترک کند.

آری انتشار نامه کوهستان مشتاق بود بر مبنای این خود برستان آنها میبایست از دو مخالفت در آید و شدیداً بر علیه ما بتحرک بپردازند. آنها هم چنین داشتند زیرا بر سر فاشی در مقابل خود می دیدند میبایست این سر به را از میان بردارند.

از طریق کوهستانهای وارد مبارزه شدند چند نفری را از سفر بنهید و فشار دادند تا نگرانی معابر کندوبه «نامه کوهستان» حله کنند ما دست آنها را خواندیم از بیچاره مرید سرخوهای را حامل پرچم آزادی کردند تا بنام اهالی گروس تکرانی کند آرام هم خود و دشمنان کرد باسخ دادند

از این راه چون روشنی حاصل نکردند بر برادران کرد ما که در محل سکونت دارند فشار ظلم و بیادگری و تفتیش و تحت نظر گذاردن بنهید و زندانی نوین را شروع و تاوان بسته در این راه هم بافتاری کردند از اینهم نتیجه ای نگرفت غلب سلاج را آلت اجرای معاصه شوم خود فرار دادند از اماکن معین شهری را معصای مجاز دولتی را پس گرفتند و بحساب ذلغ سلاح و اشرار جلوه دادند آرا هم ما پیش بینی نمودیم و خواندیم و بنام آرام هم ذکر کردیم از این راه هم خون عدای بیگناهی ریخته شد مال عدای بیچاره به پنا رفت شاید این، چون ضربتی بر بیکر نوم دلیر کرد بود، آتش غضب آنان را اندکی فرو نشاند باز در این حال هم دست برداشتم و بسبی از این واقعیت را در معصحت نامه کوهستان مشکس نمودیم. استقلال کرد را که در آن طرف سرحدات ما مورد محبت است و موضوعش در انجمن ساغر انستیک مورد مطالعه است بهترین فرصت برای پوشا شدن هلیکوت موعود قرار دادند در هر جا نشسته آرا به افراد ایرانی نسبت دادند مضحک این است چندی است می شنویم مانند پیران هر جماعت می شنیدیم گویند نامه کوهستان برای ایجاد استقلال کرد بود. آه...

من این مردان پیر زن صفت را معطاب قرار داده میگویم نامه کوهستان نظریات خود را بر صراحتی نوشته می نویسد. روزنامه ایست که برای انتشار و درون آن هر هفته دو مترس عجم قرار داده میشود شما متوانید با کمال دقت تمام جملات کلیه معصهای آرا بخوانید و از هر جملاتی و هر جمله آن هر ایرادی دارید مورد تفسیر و بحث قرار دهید اگر اجناسا چند شماره آن هم قضا در دسترس شما نیست بقیه دو صفحه ۸

یک دسته مر موز ۱۱  
آری یک دسته مر موز! یا داشته های شوم به بازی خطرناکی اشتغال دارد. یک دسته مر موز! از عناصری متکلیش پیشانی عالی دولتی تصمصیم دارد قسمتی از خاک ایران را فدای نظریاتش می یابد خود کند.

یک دسته مر موز! با تمام قواعد و فعالیت است تا نایب حساسی از این ملک را از لطف ما بیدار کند. این دسته مر موز دو لباس خدمت بزرگترین خیانت را مرتکب میشود.

میدان صل این دسته خاک کردستان و هدفش تأمین ناجیه ای برای اجرای نظریه های خصوصی است بهر طریق که ممکن باشد و لولایت که این منظور بقیست تجزیه خاک ایران تمام شود.

دو شی که برای اجرای برنامه خود پیش گرفته، فشار بر ساکنین این منطقه، نهید - آزار - جس - تبهت - اشاعه اکاذیب - مشوب نوین اذهان عمومی - هتالی کردن مردم - تحریک و امثال آن میباشد.

ماریست کوشیده مطالب باطل و سر بسته بیگمات مشول گوشه نشود آنان را متوجه اهمیت موضوع نظریات روشن خاناناه سازیم زیرا گمان میگردید اگر اشتباهاتی سهواً با عدا مال دولت در این نوعی مرتکب میشوند گوشه نشود کتیب مشکس است مورد توجه اولیای مسئول مرکزی واقع شده و این ستادوی سیاهه ما را با آغوش باز استقبال کنند. از تذکره ای بکی دوبار اکتفا نکنند بلکه مکرر نوشتیم تغییر رویه دهید، ما مورین بایکبار را بپنجر بازی شوم خود واقف گردانید +

متأسفانه این تذکرات سیاهه ماه تنها مورد توجه واقع نشد بلکه باعث گشت که فشار مامورین در محل بر برادران کرد ما افزوده شد.

ما از جنبه تذکره بر فراتر نیکه آمدیم تا نماز نگردیم جدا مامورین ذره تعصیب بشوند زیرا میدانستیم بازار زبونته بقدری رونق دارد که اگر هم ثابت کتیب فلان مامور دزد است پرونده های خواننده ساخت که او را دستکارترین و پاکترین مامورین جلوه دهند.

نگفتیم فلان مامور یوانه است زیرا فوراً حکم اعزام خود مارا به دارالحجائین صادر می نمودند شاید اقامه بنظر آنها ما دیوانه باشی که در فکر ملکیت، جوش میزین که چرا فلان و فلان خیانت میکنند چرا مداخلت ملکیت را آت موسی را می خود قرار دادند...  
آری ما دیوانه ایم، دیوانه عشق وطن.  
مادیا دیوانه، دیوانه صبیحت و صداقت و وفاداری

ما دیوانه ایم - دیوانه مبارزه با ماجراجویان و آنهاست که پانگه مقامات خود از پست ترین و ناپاکترین عمل خود داری ندارند.

ما روزی که با انتشار نامه کوهستان خوانیم از حقوق برادران کرد خود دفاع کنیم خواهشیم با برهم زدن نشانی کاره این گروه مامورین خانی کرد را بدولت حقه امیدوار کتیب و کتب اعمال جنایت کاره آنان را در معرض افکار عامه قرار دهیم امتیازان داشتیم در مبارزه شدیدی وارد شده ایم زیرا پرواض بود که این اقدام ما با منافع عدای تاس خواهد داشت جلوی بسیاری از خرابکاریها را خواهد گرفت مردم را بیدار کرد و آنان را بحدی استفاده از حقوق قانونی خود واقف خواهد گردانید

آری دور گویی خود بخود مضاری در ناجیه ای که مردمان زنده و بیدار داشته باشد امکان پذیر نیست.

### خبر های داخه

#### شرقیای بصحرای موکانه

پیش از ظهر سه شنبه ۱۵ آذر ماه سپهر کبیر دولت امریکه که تازگی به ایران آمده اند بحسب واتی که نیلا تعیین شده بودند کاخ گلستان حضور مولانا که شرفیاب و استوار نامه های خود را تهنیت پذیرد.

#### تجویل راه آهن جزیر

قستی از تاسیسات راه آهن جنوب از طرف متفقین تجویل و وزارت راه شده بود اکنون برای تجویل بقیه راه آهن فراد است کمیونی مرکب از افسران ارشد متفقین بانفاز مدیر کل بنیاده راه آهن و روسای قسمت های مخی تجویز تربیت نمایند تا کلیه تاسیسات راه آهن را تجویل گیرند.

#### مجلس جشن و ضیافت

آقای سبیر کبیران، استانیات، بانفاز آقای محمود ثابت بانا سبیر کبیر دولت مصر مجلس ضیافتی در شب جمعه ۱۸ در محفل انشائسان منته و از آقای معاون وزارت امور خارجه و عده از رجال دعوت شده بود.

#### انتصابات

آقای مقدر زده می (مفتخر السلطان) بر مائاداری طلائش منصوب شده اند. آقای آکبر - بول دادیار دادسرای شهرستان تبریز بیست امانت دادگاه بخش تبریز. آقای مصطفی میرمهراعی امین دادگاه بخش تبریز. آقای محمدتقی مجاهد امین دادگاه بخش تبریز بیست دادیاری دادسرای شهرستان تبریز.

آقای علی اوقلعینی با زبیر شیه ۲۲ دادسرای شهرستان تبریز بیست دادیاری امانت شیه اول دادگاه بخش تبریز آقای ابوالفتح کبیران نماینده ثبت تبریز بیست دادسرای شهرستان اردبیل.

آقای حسین داد پرور معاون دائره غرب نث ادراک تهران بیست کارمندی علی الدل دادگستری شهرستان اردبیل منصوب شده اند.

#### محکوم باقتضال ابد

جوادمعاری بانام ارتکاب اغتلاص مبلغ یکصد و شصت و دو هزار و دویست و بیست و هفت ریال از حقوق کارمندان پشگاه راه آهن و سالها حبس مجرد و اقتضال ابد از خدمات دولتی و تادیه در برابر وجه مورد اغتلاص بعنوان فرامت بجزایه دولت و یک پیرای آن بتاریخ خواه محکوم گردید.

#### اخبار سقر

۱- در هنگامیکه سرگرد کشاورزی مامور جمع آوری اسلحه در آبادی چاغراو سه فرسخی سفر توقف داشته در دهه مینا و موموم به ولایتی رفت بکنفرسی تورنگاه مشار الیه اخبار احشام بنارت برده شده است.

۲- دزدان مسلح آبادی محمود آباد را قصد غارت بنامه ماسره نوده در نتیجه امانات اسکن شده و نفر از سارقین محدمابین نام و بکنفر دیگر بانفک های پرو دستگیر شده اند از قرار اطلاع واصله این دزدان مسلح از آدمهای علی هه و سی بوده اند.

علی هه و سی همان شخصی است که در پانامسرنک بایدند املاک عده ای را غصب و با کمال راضی بپره آراوش جان می فرموده حال معلوم نیست بانشریف بردن

حسرت سرهک شخصی نام برده هنوز باید مابین اعمال مشغول بوده کسی متراض و شود ؟

#### از کرکستان

آقای سید جمال الدین شیری مخبر مادر کرمانشاه اطلاع میدهد که شب پنج شنبه ۲۵ اردیبهشت عده از اهالی قراه لاله - مصلحه - نی آباد از طایفه سوری بدست یاری ویس همد فرزند محمد فرهادی مسلحانه بازره قرا بلاغ وارد و معافله ده هزار ریال وجه تهنه و تمهیداتی تهنه متعلق به آقای میر ابراهیم امجد مالکسه دالک قریه نام برده را بغارت برده و با سبوجانین که مراتب بدادستان کرکستان اطلاع داده شده تا بحال کوچکترین اقدامی در دستگیری سارقین و استرداد اموال مسروبه نشده است.

#### «سلام من بتو ای کوهستان»

از انتشار آینه تلخوب تمام ایرانیان بخصوس «کرامد» که از بغار زور تیره شده بود میبالی یافت و بافت سمرت عموم گردید. هائل طوریکه رسیدن عید را مردم بخوشی استیصال می کنند و به یکدیگر تبریک میگویند تا مزایا از انتشار نوای کوهستان خوشوقت شدند و تهنیت و تبریک میگویند از ایزد متعال خود اهانیم نور انبابت در آسمان مسادت درخشنده و خدایت در انجام این خدمت ملی حکنه وظیفه و بدانی است موفق بدارد. سنه ۱۳۲۵/۲۴ - محمد دلی خاوری

#### دولت و مجلس

پس از آنکه دولت آقای حکیمی با وضع غیر منظر رای سرتوط کرد آقای صدرا لاشراف بصخت وزیر بر گرفته شدند اکثریتی که از چند روز قبل از عده ای از کلا تشکیل شده بود با باری کار آمدن آقای صدروی موافق نشان داده معصم شده از دولت ایشان پشتیبانی کنند در حالی که ایشان و از کلا جدا یا اقلیتی تشکیل یافته ایشان معانته عده ای از زور نامه های آزاداند خواه و احزاب معتدله تهران طی مقالات و اعلامیه های تهنه حالت خود را با کاپیتانی ایشان اعلام داشته اند. هنوز تصمیم آقای صدر راجع به وزاری کابینه معلوم نشده است.

طی آگهیهای متعددی از خواننده نان تقاضا کرده بودیم نظرات خود را در ارجاع به مندرجات نامه کوهستان بنویسند. این هفته انکادانت چندی از ستنه رسید که بملت کسی چادر شماره آینه دوج و بخواستگان و - و علائقندان پاسخ خواهیم داد

#### ترجمه و نگارش : آقای منصور شاهنواز

### مقاله دزدان

#### فصل ششم

آرتو: کوروفیش از دالان پن، رطوبی عبور کرده سپس پشاز بزرگی رسیده، دوشع بزرگ که جاری تصویر حضرت مریم میسوزت این غار بزرگ را نیم روشن کرده بود اما آرتو بیکه بسون آینه استغالی بنشال حضرت مریم بنده زومغالی آن گذشت. هراس از مشاهده تسوسر تبعج. شده گشت :  
- من ببوجهی خیال نمی کردم تشال حضرت مریم تو اینجا وجود داشته باشی.  
- برای چه خیال نمی کردید؟  
- گمان نمیکنم که ما تو مرعی متدین باشد  
- اما شما اورا نیشناسید. از همین بولها که از مادر شما گرفته است امشتر را در کپسا دروازه شما نوج کرده برای آینهک وجدانش به اوازجه دهن که بی داده ام ازیم دیگر استفاده گن  
او هجیوت در دروازه هایک عید منعی ماست پراهنی دست نیزیست  
- و به هجیچس کاری ندادند.  
هراس دومغالی این حرف شنده کرده جواب داد:  
- آه چه اعتقاد باطل و موهوم !!  
- پس است خواهش میکنم دیگر از منده و دین برای ما صحبت نکنید ما نامدر موعظه و نصیحت شنیده ایم که دیگر گوشان برای صاحب

#### واحد زهای شما حاکم تیرست.

هراس خیلی مایل بود که از آرتو بیکه نام کبیرا که بانها نصیحت میکنه برسه اما از زمین میافته گرفته و تلخ آرتو بیکه از خیال خود سرفظر نوده. در این وقت آرتو بیکه شمع دیگر روشن نود و هراس درنه غار پنهان لیست و یک میز که روی آن چند بشقاب و بطری قرار داشت مشاهده کرد سپس آرتو بیکه رو به هراس کرده گفت  
- در موقع ظنر آیا با ما عدا خواهد خورد یا اینکه شما میخواست تها بخورید، اگر تها غذا میخورید همین الان شارا بجایگهانان یرم - من گرسنه لیست و میخوام تها باشم  
- بسیار خوب پس دنبال من بیایید.  
آرتو بیکه و هراس از چند پا که در دروی تنه سنگی ساخته شده بود بالا رفته و غار دیگری مشاهده کردند تا رویکی بانده بود که هراس به هجیوه توانست چیزی تشفیص بدهد اما در حالیکه دست و پا بر زمین میسایید دراه میرفت دستهایش نوده بزرگ خشک شده ای برورد کرد  
آرتو بیکه به هراس گفت : اینجا محل خواب بلیل است شما هم میتوانید در اینجا بخورید. آرتو بیکه پس از اینخرف از آنجا بیرون رفت محسوس چون خود را تها تها دید آهی عمیق برکشید. مدتی در اطراف موقبت خویش فکر کرد او خوشحال بود اما بیشتر فکرتش بفرغ مادوش معظوف بود  
او افسوه مادر را در نظر می آورد جشاش را میبست و در عالم خواب و خیال مادوش را میدید که برانو نشسته و از خدای بزرگ فرزندش را میطلبه.

نظریات خصوصی!!!

نامه کوهستان، رو نوشت کیهان، رو نوشت ستاره، رو نوشت رهبر آقای دکتر اسامیل اردلان چون نامه کوهستان بیشتر نظریات خصوصی درج میشود با اینکه آقایان اردلان و سمدوی به خواهشند است از ارسال نامه برای امضا کنندگان خود داری فرمایید.

اشرقتندگی - صرافت مندگی مطالعه حسی رحیم زاده نظرافرسندگی علیرضا مندگی

\*\*\*

کوهستان - اظهار لطف و حسن نیت آقایان که نامه کوهستان را بنشر شایسته (۱) خواستاه مرفعی و تبلیغ نمایند متشکرم اگرچه نامه کوهستان روزنامه جوانی است و بیش از سه و نیم هزاره ممبران آطور که باید شناخته شده و مشرفین آن که اوران نهایی نیست درمسترس صوم فرا گرفته و خواهان گران اقل نما بنظور موسس آن استقبال جامه کرد از آن بخیرداند.

از اینکه دواین تلگراف مرفوع شد است بیشتر نظریات خصوصی درج نمیشود مباحثه صحت داریم. این روزنامه مضمون، توانی کردتین و مصمومی آراد و مصموم علاقه مندان به کردات آری درتین روزنامه ای باید نظریات خصوصی آراد چاپ شود و آنجا ملاح کردات است باید در آن درج گردد و مباحث نهایت کوشش، ادارتی منوالفقور دراین خدمت ملی توفیق یابم.

نظر خصوصی مایست

مایبخواهیم حاشیه کرد دراست و ان و امان باشد مایبخواهیم دست اشخاص مندی و نا صالح از گریبان مردم

کوتاه شود

مایبخواهیم هرگز بیدرا بگوئیم بدست و آنجا خوب است بگوئیم خوب

مایبخواهیم هیچگونه تمییز نائل نشویم

مایبخواهیم هر چه بنویسیم و هر چه میکنیم بیبرصلاح جامه کرد بداند.

مایبخواهیم وجدان خدمتی را که باین آب و خاک مدیونیم

انجام دهیم

این است نظریات خصوصی ما. حال اگر این نظریات خصوصی به چند فروش آینه باشد دلیل نشود ما از آنها تپیت کنیم ما این نظریات را خوبسوزا برتنشیم دادامیم که دوره انعامش بیسکوشی ملینه نامه خلف است مکن است آقایان امضا کنندگان این نظریات خصوصی ما را املاط بداند این همه بلیه ای است و مباح امراری تاریم که آقایان ما تینت سم روز زمان بدست طیت بالاخره مایاشاور هر دورا بشماروا سعادت سونق خود اهدا دخال خوینده این راه هر کسی میبخواهد باشد.

چند زنده است برای کسانی که بخواهند پرداخت دوست

زبال وجه اشتراك سایانه يك روزنامه را خاشاکه مطلق بچلوداده

بخواهند دوسایه آن فدای ایشان دو جرایب منکس شود.

جوانهای هریر (۱) و اما انلااری کرد باید اگر واقعا آنها

مشترک نامه کوهستان می شد این روزنامه تطبل میشد این

خدمت برون ملی شارا و پرداخت دوست زبال وجه اشتراك

چشمه کرد فراموش ننواهد کرد و این مردانگی شامه که با وجود

پرداخت بهاء و روزنامه خود مت بکمال فسی و صرف نظر کردن

از دریافت روزنامه که و اما از خود گذشتگی است در تواضع منظور نخواهد شد.

آقای مدیر محبوب نامه کوهستان

خدا نا از خواندن تلگرام ابروس و جوابه آقای ع. ا نهایت متاثر شدیم به این دستهای نایک غیر مرئی که همیشه سوده ای خود را در طفره ای نهاده بدست میدانه و برای رسیدن بنظور پلینه از هیچگونه خیانت دریغ نپسند است فرستادیم یک با اجازه خواننده گران نامه عزیز کوهستان جواب دردی آنجا صادرت میوزده

تلگرام گروس و اولاندر جلت نامه های آورده کوهستان میزان علاقه و بستگی افراد کرد راست به آن ثابت میباشد. تا بیا بطوریکه بنظر خواننده گران محترم رسیده تلگرام مبروروا همه بدست فریاضا سوده و این همدرد مقابل کثرت صحت ملر را دارد زیرا ده هزار خزر جمعیت گروس اشتراک نامه کوهستان را استقبال نسبت به برادران کردستانی خود همیشه فاداد بوده و میباشد.

جواب آقای ع. ا.

باید که بنویسند محترم جواب تلگراف گروس از انت دیرینه دارم مینماید تا اگر بمرایب ننگه را تذکردهم بطوریکه از معاد مغاله ایشان اشتناط میشود هویداست که مشارالیه تحت تأثیر و تحریک بارماز زلفای خود که به افسوسهای عزیز ما کوسپیا خورده حجابانده و اتمام خیر اندر این ایسان بدون تمق در جواب آن چند خط که شاید پس از مغایره تلگراف مبرور خودشان هم اقدام جبری خود پشیمان شده باشند قلبه کثیری را بر چه دار نوده اند تهنیر حل بوسندگان محترم

نامه عزیز کوهستان باید بداند علاوه بر اینکه گروس ضولایفک کرده است میباشد در اینصوب باریکه مین صوب ما ایران و مصرعا زیاد کرد با تلغف و اتحاد از چیزی بیشتر احتاج دارد و حضا باید از هر گونه احساساتی که بدست و طفره در بد ما ایجاد میکند ولو افاضی آن بضرر

سایق این روزنامه است

ازها دوتواخا داریم:

- ۱- نظریات عمومی ما را که در نامه کوهستان درج شده و شارا که میگویند بنگر کرد همین از خواننده خسته کرده مریضا بنویسید و ما نخواهیم آن را تنوبه سازید.
- ۲- بار ما چه بنشیند کسی نامه کوهستان در دستنظ قبیه وجه اشتراکی که ما آنرا فرستال باقی است حول بگردد زیرا نامه کوهستان تک وجه دارد و اشتراک از کسانی دریافت دارد که از وی عبیه و اینان مندرجاتش را نخواست اگر کسی شارا و اداری بخواهد منجین تلگرافی سوده اند مطمئن باشید ما بسیار توانا از آرایه که بگذار ضرورت نوده ایم احسانات آن خود بیاشیم.
- ۳- قضای و تنهیم ما در دست است ایگو که تنگناها و امثال آن از بیبروری در این راه سکه در آن قدم گارده ایم منع نخواهد کرد.

الفبای آسان

شاهراه رستگاری ایرانیان است چون با سواد شدن همه افراد ملت از هر کار و اوج تر میباشد و از آنجا بیکه یکانه و راهگشا با سواد گردیدن سوادان دیده که حد اکثر در یکسانه هائید بپیل این الفبای فارسی لایتنی است و همین سبب برخی از ملل اسلامی ماته تر که و فلاناز به از بنگه آنجا بکستان و تانارستان و تر کستان و قستی از آراد و غیره ایم کارا شس بر اکز زبان فارسی و هم بر و کردنی هم کرده اند.

برای اینکه این نظور در ایران هم انعام باید چیزی بنام گروه طرفه در ان الفبای آسان تأسیس یانه که در گوش در تیران و همناندر و سنی از غیرت آنها تشکیل شده. لذا داوطلبان عضویت در این گروه برای اطلاع از جزئیات و دریافت اوراق مطبوعه روزهای سینه از ملت ۲۰ تا ۲۰۱۶ بنشانی زیر تشریف بیاورند از همرتاها مکاتبه فرمایند.

تیران - بالای خیابان سمنی نظریات کوچه در بروری خیابان نایه.

الواناسم آزاد مراغه

دیر گروه طرفه دران الفبای آسان

\*\*\*

گمان نیرود هیچ شخص هوشیاری این قدم نبرد را بزرگوار و فرخنده زسانی را که آقای آزاد مراغه در این راه منتهی شده اند شایان تکریم است. ما عموماً علاقه مندان اهدوت می کنیم در این اقدام بک هم قدم شونده.

فردی نشود خوداری سالم و بهواره سوادچسانی و ادر نظر گرفته بود فرد را فدای جمع کنیم امینواوم از این تذکرات دوسانه آقای ع. ا حکم کرده و سینه فلم شویای - خود در راه اتحاد و اتفاق کرد پیش از تیش مورد استفاده کرده اند -

حسلی - آزموه اردلان

چون تنبوهیم پیش از این وقت خودتکلن را باین موضوع

ناتابل مشغول داریم نظریات دیگری خود را مودل بوقی خواهیم

نود که از شما آثار حیات دیگری منبوه کردد.

بر حال شزاراهم در انجام این عهدت ملر که پیش گرفته اید

تیریک میگوئیم

# وقایع آزارات

## آزارات

آمری

۲-

به خدا معلوم شد که نامطوایف مختلفه آزارات ا کورتی مارصا در (تاریخ های ارضی مارقدیسه است) بود و هر یک قسمتی از طوایف گوتی مابودند

این طوایف تنها در خاک آزارات (بشهادت استرابون مورخین دیگر بلکه در تمام خاک مادستان - فارس - آذربایجان و مازندران در تحت همین ارضی زنده گانی میکردند. پیدایش دین عیسوی ارضی ها و آزاراتیها را طوایف کرها باین دین در آورد.

در تاریخ ۲۷۹ میلادی طوایف آزارات ارضی، دین عیسوی را قبول نموده در حوالی عوش معاصر از روحانیون هالندی راکتت مردورا عیسوی نمود بدواز اشتار اسلام خدمت زبانی از آزاراتیها هم ترادان دیگر خود بینی کردهای جنوب تاسی نموده دین اسلام را قبول کردند در حالیکه خدمتگیری در غیبه مسیحیت باقی ماندند.

(شی در این اواخر بزود میان گراد خانوادها می دیدند که هنوز در سوسمان پارهای آثار غایب میسجی نمودار و همین در میان ارضی هاهم مسیحیانی یافت میشدند که زبان ارضی را ندانسته بزبان کردی صحبت میکردند. این گروه از اغلب هالندیها بود که بدین مسج گرویده دست اول بعدها مسلمان شده در صورتیکه دست دوم در غیبه مسیحیت خود باقی مانده بودند)

از اینجمله منترمه میگردیم. اختلاف غیبه این دو هموطن راجع باینکه بیکدیگر انداخته. وقتی دین اسلام در شرق رونق و حاکمیتی بدست آورد کم کم کرد های آزارات روی کار آمدند از آنجمله خاندان شادادی منسوب بطایفه وادی بود که در اطراف شهر لویسین پایتخت قدیم آرمستان نزدیک های کوه آزارات مسکن داشته. ابتدا در کرمجه و قفقاز سلطنتی بدست آورده سپس به آرمستان دست یافتند. بدین ترتیب آزارات توراوه تحت حمایت فرزندان اصلی خود قرار گرفت در حدود قرن پنجم هجری بود که وحشت کرد ارضی، در مقابل ابله های نارنگی ترک جامعه عمل پوشید. ابله های ترک دستچاول نارنگی شان تا به نزدیکی های آبی دراز شده بود پادشاه کرد موچهر کوتاه کرد دست آن را و لازم دانسته تسبیح مذهبی را کنار گذاشته دست بششیر برد

گر تکیور فرزند وهسالک که از بزرگترین و باهوش ترین شخصیت های آرمستان بود گفتن کرد شرافت چند سال بدهم که آرمستان مورد سلطنت تکیور ها واقع شده بود متوجهی نشون به یک ارضی ها گسیل داشت

بندها پس از اینکه حکومت های خود مختاری از میان رفت، امرای کرد در مناطق منتهله کردنشان نوزدهموی خلیفه های عثمانی را با مصلحت و وفاداری برقرار نموده بدین ترتیب آسایش آن منطقه را تامین کردها از دعوی آزادی تاسی بر کنار شدند ولی بازم گاه گاهی از کوفه کنار تنه های آزادی طلبانه و پس از چند صیاحی خاموش می شد.

ساکتین این کوه باب و خاک خود بدست بانصی توام با یاس و انامیدی اشمارهاغی را می خود (اشمارهای) را که تری با میمه سال قبل سروده بود زمزمه میکردند که میگفت:

ساقی توژ پوشدی کرم که  
داچام به می جهان نمایت  
دا کشفیت له برمه احوال  
ادبار موی گی ها کنسالی  
یا هر هادی له اشوایت  
نعامکمه له وژ برخ لوای  
بخته مزی بومه را بیت یار  
راپنه زم مزی جهان پناه که

یک جرعه می دجام کم که  
هر چه به ازاده خوایت  
کنسالی دین میراقل  
آیا بسوه فال و دوالی  
خنی و صوفو نور مشتایت  
طالع بین ژ بومه کوکب  
چارک بین ژ خوابنبار  
پیدا بین مه پادشا هسک

پس از قرن ها آزارات فصل مشترک سرخه ایران - روس و عثمانی شد و ختم تقسیم میاه آگری بزرگ سرحد روس و عثمانی گردید بدسال ۱۹۱۴ میان روس و عثمانی جنگ آغاز گشت. نوای عثمانی پس از نبردهای خوبین پایگیر نهاد. ساکتین فیور آزارات دیگر طاعت تحمل این را نشانده که پیش از این خاک و وطنشان دست بدست بگرد از طرفی هم حاضر نبودند عداقت و وفاداری شان بتمام سلامت دستخوش شک و تردید شود از این رو دست به اطلسه بردند بزرگ کردی غلغله خود برداشتند. جنگهای دلیرا که کردند و مانع از این شدند که روسهای تزاری به خاک آزارات وارد گردند. روسها هم در مقابل این شهامت و مردانگی اسرار نوردیدند آزارات را با جنگاواران شب خسر خود گذاشته پیشروی خود را بداخل خاک عثمانی ادامه دادند.

مدانین آزارات اغلب از خود نمود تجاوز نموده حمله های دلیرانه بعمق ارض اتریش و صربیا کردند در یکی از جنگها کوروسو رئیس جنگجویان آزارات در بین سله به عقطار راه آمدن و ما کو - با بزیه که حامل قطار دین سله گشته شد.

پس از کشته شدن کوروسو، بروی حسکی باوشادان فوق العاده اثن تبا یان جنگ نگذاشت پای ایثار به خاک آزارات برسد در حالیکه نوای روس از شهر بیس هم گشته بود.

**آزارات ماند جزیره های در وسط دریای دشمن مانده، امواج خروشان را عقب زده، خاک خود را از زهر آسیب مصون میداشت.**

اغلاب بزرگ اکبر موجب شده نوای روس اراضی اشغال شده خارج از سرحد خود را تخلیه نمایند. جنگهای ارضی در تحت فرماندهی اتریشک پاشا قهرمان ملی مود حفظ اراضی اشغال شده عثمانی را برعهده گرفتند. ولی مسلم بود که با شکست ناموفق خود نخواهند توانست در مقابل تشون عثمانی پایبندی کنند.

اگراد آزارات نیز در دایم موقع به سمر کردگی بروی حسکی منظر رسیدن تشون عثمانی شده حلال می بردی بی خود را بر علیه حسکی با بزیه آغاز نموده آزارگاه احد خان شاعر بزرگ کرد را سترزد داشته ولی چند روز بعد تا بهار آغاز نوای عثمانی تعویب دادند. بدسال ۱۹۲۰ کوه آگری بمده، دیگر حمله ترکها بحکومت جوان آرمستان گردید.

کردهای حوالی آگری در تحت اداره فرمانده لشکر ۱۱ ترک شهرهای ایقیدر و قلب را اشغال نموده به رودخانه ارس رسیدند. در حبه های قافتر همان وقار صم کرد هلاکتیست نوای ترک را تشکیل میداده در مایه فداکاری شایان موفق شده در جم عثمانی را بدینوسیله ۱۸۷۷ میلادی در روس عثمانی برسانیدند. آتم گدشته بدینوسیله استرداد در مقابل تمام این جانبازیها انتظارانی از دولت عثمانی داشته ا

افسوس که دولت عثمانی پادشاه عثمان و جانشانی های آنان را باقتل همای اسرارو میرزین کرد بدینسان داده اولین کسی که در صف نیدشندگان قرار گرفت بروی حسکی بود که از جیب کوفه خدمت صادفانه خود داری نکرده بود.

علم آقاي سمنده روخ (آبشاه كردستاني)

۱۰۰-

# کرد و كردستان

\*\*

اولاد كيباد پنجتر بيده اند ،  
 ۱- كيباوس ۲- كياپو ۳- كياريش  
 ۴- كيامرين ۵- كي بشين  
 مدت سلطنت كيباد را مختلف نوشته اند . اقرب بحت ۹۴ سال است . زيرا تاريخ قديمي اورامان فوت اورا ماران سال ۷۵۹ و شته است و بر طبق روايت آكزياس پيش از سلطنت ۲۸ سال رتس قيله (بزر) بوده است .  
 پس وايت مد و بيست سال سلطنت كيباد شايد باضام مدت رسامت است باشد كه ۱۲۲ سال ميشود بنا بر اين غير از او ۱۲۰ سال تجاوز خواهد كرد .  
 كيباد دو كركر و ته ري ضرب السل است كه در حال پيري هم حواس و شاعرش كالا بجا بوده است .  
 پادشاهي كيباوس كرد . پس از - كيباد روايات مورخين فوق العاده مضطرب و متوشوش است و قابل ذكر نيست تنها چيزي كه در بيان آن اختلاف بدست مي آيد اينست كه پس از فوت كيباد كاوس پسرش كه پوينديان كياپوز ميگويند بر تخت سلطنت جلوس كرد (۷۵۹ ق م) .  
 صاحب ميعم التواريخ كيباوس را نوه كيباد نوشته كه پسر افراد پسر كيباد است يعني ديگر اورا نيره كيباد نوشته اند كه پسر كي نيا پسر كياپو پسر كيباد بوده است .  
 اين دوايت ارب بحت است زيرا كيباد پسر افراد نام نداشته شايد نواخ بوده و كتاب اشياء كرده اقرا نوشته اند كه اقرا مهرب ايراست و باضام لفظي همان كياپو خواهد بود .  
 اين پادشاه خيلي متهور و دلير بوده است پس از فتح هندوستان هزبها موزان گفته است يعني بين وبلاخره ، دو - الاذاعار پادشاه پس منلع كرده است و دختر اورا (سودابه) بزني گرفته در شريف خان كيباوس پادشاه نوزد پيشه ادي (نوس و كشته) و ساير سرداران لشكر گرفتار ميشود و افراد سايه فراز ميكنند .  
 اين خيبر كه بر شتم ميرسد يا لشكر گران و هسيار مين ميشود پدشاه بين ناچار با او ملع ميكنند و اسيران زها ميشوند و كيباوس در سودابه با پنهانتر شايان به جانب ايران (ماد و پارس) حركت مي كند .  
 رستم در تيميه اين خدمت فداكارانه بلب جهان پهلواني و حكومت با استقلال سيستان و كالستان نايل ميكرد و هنگام رسيدن خيبر كرتاري كيباوس

## بلك فزول

### از اظهار بيك جاف

دل زل حسرت غمزه كه دو تر گس بر خوه و  
 وك غش ز ولت عزيزم چو رودا كه و ته و  
 مني سونانده كن امه له خومي رومني  
 چون نه سوتيسم به آگر او به باري نوتوه  
 نستي زولت له گل حلقه زرقاي بده ي  
 اخي داودي چه دخلي دا بدنگ و صوته وو ،  
 معطفي خوش غنفي كولت گره بيئي شيني ما  
 كاروه گريوسون برواه ناورم گوه وو .  
 گسره برسي بوقصه شيرينه مينده با ادب  
 شسكر افشانه لم جاناله ما جي شه و ته وو .  
 تا به كي قربان ، بنالم من به ايش و دره و ده  
 وده به از نو ، فوسر دايام به رنگي زرده و ده  
 روزي اول بوكه زانيم من به ي ديوانه مي  
 عاشقي تونوعي مينون وايه كيو و هرده و ده  
 مرحمت كه ، زور بقاصد لي دردي دالم  
 نازي بابوت آكيش من به نوزو گسره و ده  
 هرو كوموس و فرح با دس لكرفن داييشين  
 توبه سخته آلوزم و زومون به رنگي زرده و ده  
 بك نفس جاكسي نه هينا كميئي بغه كوسم  
 شش درم گيراوه ، داموم بدسي زرده و ده .  
 انناس « شاه » كي بيجاره قد سودي نه  
 توك دايبر فرموش به اولي وك برده وو .

\*\*\*

اين نثر را آقاي عباس آزاد (پور) پادشاه رسي نامه كوهستان در دستنج ارسال داشته اند .

آقاي عباس آزاد پور نايبه روسي نامه كوهستان در دستنج مقاله مفصلي راجع بارضاه كردستان ارسال داشته اند كه در شماره بعد از نشر خوانندگان خواهد گذشت .

پارس بوده ورشته نسب او بارمين پسر آرزجان منتهي ميشود بجهت عهد تجربه و دانش علم كشور داري مقبول جامه واقع شده است اما سر سلسله قيادي ها كه توس فربريزر بوده با اينكه كوشه گير و ده شده بونه معيضا بسپهبل و گنايت وسپهاندازي كسب شيرت نوده ميول جامه و طرف توجه و اعتقاد عامه واقع شده است و بجهت اورا بنقاد سلطنت اشخاص كرده اند ۸۰ ق م .  
 لهراس كه خود را برحسب وراثت اولي ميدانسته .  
 بجلاوه داماد كيباوس هم بومدات تشييد سلطنت توس شده عهد هم طرفدار او شده اند .  
 توس از شاهان دين و نصيبت از سلطنت استفاا كرده بنعل خود مر جت نوده بكارهاي زراعتي پرداخته است اما طوايف مردست برادر شده ميانه اورا با لهراس اصلاح نوده مجددا بر سر تخت آورده اند ۷۰ ق م .  
 قرار و اصلاح باين ترتيب بوده كه معلم سلطنت ماد و پارس يعني ايران گوني با نام و ضايف و شئونات سلطنتي مخصوص توس باش (خراسان هم جزو نلسو توس شده) حكمداري خاورستان هم يعني باشتر و كالستان و توابوع آن بخ ابراج لهراس قرار گرفته كه هنگام لزوم هم طرفين بنده بگر كلك كند .  
 باين ترتيب فراغات الدين مرتفع كشته لهراس مفرحكم داري خود را بلع فرارنده توس هم اكيانان را كه بنا بحت رسي دولت ماد بود مر كز سلطنت خود ساخته است شرح اكيانان در شماره آينده ذكر ميشود

از دفتر  
نظم آقای دستور ممبر

سرمایه کوهستان

### حضرت آقای مدیر معترم نامه دلی کو کوهستان

#### دام بقائه

با احترام پایتگ معنات کوچک، نامه کوهستان که باید خساری بهترین مطالب و آثار گران بها باشد کتایش است مطالب مفید و اخبار شریح و معلول را ندارد در همین حال نه در آبروش می رسد ما را که این صفحه دارای درد های اجتنابی اوضاعی بودیم و معایب زیادی هستیم که در اثر عدم توجه اولیای امور روی همه ایشان و ناگوار بودن بواسطه نداشتن طرفدار جدی و سه کالی همرا باپردازیی تحمل نموده ایم و اکنون که آن مدیر معترم برای رفع این اوضاع در علاج این دردها معاندانه کوهستان را در اختیار ما گذاشته ایم - نهایت تشکر از این اقدام نیک و نیکو نامیوم از خلا برضی اوضاعه دار خود محبت و درود و ولی درج تمام مطالب را ولودر دو شماره اختصاص میدیم

#### در سترگی کلبانی در خیراست

توجه نمودم که سترگی کلبانی در کلبانی از تاریکی که آقای صالحی رئیس اقتصاد کرمانشاهان وارد شده اند نسبت به توزیع شکر و چاقی و فاشی یک عمل زشت بی صلاح قابل تائیدی را مرتکب شده اند که موجب ناس و توهین و افت آزرگانان و رغبان و افاضی این ولایت شده و تیش بی لاجه و بلکه خیانت قابل تیش است که در سمت توزیع مرتکب شده است که از تاریکی که دولت این حکم را داده و اجرا شده الی یومنا خدا و ساست هذ منافعه شخصی آقای صالح ابع از ساسته استیضحتی ساین ایان ولایت از سیه خود بوده و قسمت همدی اکثر از زمین های دولت کلبانی حتی یک کالاشکر و چاقی و یک ذرع قاش نکرده اند و مقابل قوت ایوم خود را در طریق اصلاح کرده اند بلوغ شکر و اند و فضولانته اند برای رفع شکر روزانه در بازار تهرجهای بسیار گران و مستی را بطور قناعت مصرف کنند و دیگر نه و حسد و رقابت و آلتا حیران و جنس آلتا سوزان و سرمای ستم تابان می سوزد و ستمان می لرزد و تقاضای همه دوی از رویا سپیه دانه شده و زارین معروم از سپیه سیرکنند

#### آب دولت برای کلبانی سپیه معلوم

کرده باینکرده و در صورت اول روی چه امری را که معروم اول را منتقم نموده اند و در صورت دوم جرایم ایالت داده اند و آب این تمس ماسر دولت بوده برای در صورت اول معروم و معروم راهم دولت نیکو استین بودا

#### توضیح رقت پار ایف انگز ستر کلبانی

ستر کلبانی دارای دوازده هزار و دهات کلبانی و نطقه کری و بیلاور دارای هشتاد هزار فلوس است ۱۰ اولیاه امور کوچک ترین توجهی با امور بهداشت این همه از ملت ایران معلوم نداشت و هزارها کلبانی که سالیانه در این زمین به سبب اولیاه امور رسیده اند و نطقه کم بکن شده ترخی شمال هرگز مردگان وضعه و ناله مرهای بی بضاعت میزول فرموده و سالیانه حیات و زندگی اهالی مضع و خیر این ولایت را از بیجه حلیات بیکسر بزرگسالی بی اطلاع نموده که نتیجه از آنکس باشد چون هرگز مردگان وضعه و نطقه کم بکن نداشتند و چنده نامی است که این آدم از اکثر کاراست تا حدی تلفات مالی شکیب یات راهالی برای اینک دکتر حلق و دیله باین ولایات اهرام شود نتیجه کرده اند فرمائی که دولت در ۱۰ برای بزرگسالی اینها جاتی بمده منال آنرا اهالی برای سالیان بردارند که وزارت بهداشت بیکسر گردیده باینولایات اهرام دارد و هنوز نتیجه معلوم نشده

#### سرقت و قتل در ستر

چندی بود که امنیت سفر دچار اختلال شده و دستبرد های مسلحانه ایست و موجب وحشت عمومی مردم گردید اخیرا سوارین ستر علی نام سترخی حله برده و شازاله با شیباعت و رشوات نون ایامه و نایل تقدیری سالیی از آنها دست بگریبان شده و شول اسپر کردن سواران راداشته چون هرچه سواران التماس میکنند که ویراها نموده اند که بخرج حلی نرفته معکم اورا بدون خانه می کشد رفیق دیگر سواران باینک گوله علی نام را از آبادی بآورد و رفیق خود را نجات میدهد حتی در زمانه امرو و دادگه ستر تحت رسیده ای قرار گرفت البته به ستر ستر می نمود سوه علی واقع و پهلوی کمره سترکی و یتیم بی برستاری مدنی شناسائی شصین شده و غلابه بیعت رسیدگی و تمسین در ستر کرمانشاهان هسته

#### آسیب دیدگان بانه

شرعی از طرف اهل بیانه با اعمالی آتابان - دانی - همدانی - نوسی - اوسنی - تو ککی - فانی - منصور - مرونی - خیری - مرونی - احدی - فرنی - خاندی - خوالی - شانی - حسینی - سلخانی - امسی - معدی - اسرایی - مازوسی - بنوی - صیالی - خدانی - محمداحد زاده - و طاهری معارفه و اظهار داشته اند

محدثه مامات از مسافرت و بازاری جناب آقای نجیب به سفارت کرمانشاه میگذرد و اهالی بانه که در نتیجه حطف توجه دولت ایدوار دیده بودند آنرا بداشته کنگهائی را که رنده داده اند به بوددیاره آتابان بیل انتقاله دوطرف این شترانه ش هزار تومان و بیستم گندم و ۱۰۰۰ نیز برای ساختن کنگه که دیگری شده است از طرف دارائی مفر کلاهای بی برندی شده معلق معسول تقاطع دیگر سرده اند و همرا ۲۳۳ تا جلال اهالی بانه نیز از سیه بیکام شکر و چاقی چیزی دریافت نداشتند حتی سیهی قشای هم ندادند

از طرف دیگر از بی بی جنسی که سمانا از جناح و زار و از طرف بنده رسول گریک آن دریافت شده بمیداد امام به درش مالیات ندادند

در بانه ایضا کنگه آن توجه مامات مربوطه را به تقاضاهای ذیل ملاحظه داشته اند

- ۱- تمسین شود و بیجه که بعنوان امانه شده بیکان با بیع آورده شود چه بلای رفته است
- ۲- فرایندهای که زمین فعل ساختن است نسبت به پرداخت اعتبار ارقام فرمایند
- ۳- تفاوت در دست و تر خرابی ماهره شود
- ۴- برای ستر دستور فرمایند در توزیع کالا مابقی اقدام فرمایند
- ۵- بگورگ بانه دستور فرمایند برخلاف مقررات اقدام و عمل مالیات گری بانه

نامه ها و نگر افشای وارده

از مهتاب

نامه های زیادی هست نگر از فامیل فرمائی همو کر کرده سیده راجع به نیشی که در تحویل سببه کالای جیره ندی شده سال ۱۳۲۳ شده شکایت کرده اظهار نامه نودده نام خود شکایات و مراجعات معتله هنوز سببه ۳۲۳ آنان تحویل نشده است و کیسیون اعراض هم با اظهار آنان توجهی نشده

از مهتاب

شرح بسیار مفصلی که پیش چهار مصلحه ورن بود است با مضای زاده کرد م فداکار رسیده و راجع ببقاله روزنامه گیوان راجع باستمال سکرد نظریات خودرا اعلام داشته اند اولاجون روزنامه گیوان در شماره ۶۶ دوشنبه ۳۱ اردی بهشت طریمرانه ای تقریباً از مقاله ذیلی خود مدعرت خواسته تانبه نوشته آما می فداکار بسیار مفصل بودیا کمال مدعرت ازدرج آن خود داری نمودیم

از سقز

نگرانی با مضای آتایان ؛ شیخ عبدالقادر حسینی، محمه رشید خلوتی، احمد فاضی شیخ الاسلامی، عبدالوهاب امامزاده ملا محمد علی، محمد امین بدوی امامزاده حامی جلال شیخ الاسلامی - محمه رشید شربی - رشید تاجور جیحی - مصطفی تپور زادموسها، ابین حسینی رسیده از اقدامات آتای سرهنگ صامی فرمانده تیپ سز اظهار رضایت و شوق منی نمودند

از اشونیه

آتای شیخ معروف صبی البررینی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نمودند

از اورامان

آتایان دکتر کمال شش ندی مصطفی سلطان الیابا - محمه شریف - محمه رشید جرح نگر آما می نویسد ؛ طلوع کوهستان را که بنظر دروغ از حق اگر اد تانبس فریده به پائی جوان آن صیبا به تبریک عرض کرده توفیق هیشگی را از خداوند متعال خواهانیم بعضی دین بنگ شماره کوهستان نشاط از ده دودومی یستم بن جان بیجانان و ملا برای نگر عرض مرحوه حاضر میباشیم

از مهتاب

آتای سیده هریز سیادت از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نمود می نویسد انتشار نامه کوهستان برای ماها و مشاطفه کردستان اسباب سی خوشوتی و شادی و غمی است

از سنندج

غری از طرف اهالی قریه سیاران رسیده چون امضا نداشت و مامول بود چه کسی نوشته ازدرج آن خود داری شد ولی ضمن این مقاله مفصل تانما نوشته اند که مقام رسمی به شکایات آنان رسیدگی نایند

از سنندج

آتای احمد ترخان آبادی شرح مفصلی راجع به املاک خود در منطقه دراز میباشند نگاشته اظهار داشته است با وجود دادخواست های متعدد تا بحال نتیجه ای نگرفته است

از بوکان

آتای اسمیل غری از انتشار نامه کوهستان اظهار خوشوتی و مسرت نمودند

از زهانه غمرله

آتای عبدالباقی، بنام برادره از طرف دانش آموزان دستان شریز نامه کرده می نویسد ؛ از اول سال ۱۳۲۲ دستان خرجه نامه کرده که آخرین نقطه مرزی است و با حدکمه بیاه، عراق نیم فرسخ فاصله دارد با کک آتای سهراب سیک پسر آتای افراسیاب سیک امتناع کرده و تمام زحمت دستان را منحل شده است آتای احمد حق پناه و پسر محم حق پناه مدت یکسال مجاباً آمدن و آموزشگار اختاری دستان بنمودند ، از شهر برواه ۲۳ از طرف اداره فرهنگ کردستان دستان سمت رسمی بانو آتای احمد سن پناست سیده میرت و بنکتر دیگر آموزگار آتای موسی قری از سنندج اعزام شده است

کوهستان ما از دریافت این گزارش دانش آموزان بسیار خوشوقت شدیم زیرا اول اطلاع حاصل کردیم که در چند نطق دور دستی با خود هراوان اشکال هنوز اشغالی هستند سکه سلاه دارند فرهنگ از توسعه دهنه ، اولاده می خود را بسلاح دانش مجهز کنند تانیا ده می از دانش آموزان چنین دستان دودومی با خود مدرسن ا بر فردو شناسند که در مقابل اعزام یک نفر آموزگار از طرف فرهنگ کردستان در مقام تعدادی آمدند اما ناآشنا این دانش آموزان ازین معل دور دست علانته بوده اند بنا نزدیک شده اند وضع دستان خود مارا مطلع سازند و واقعا این نوع احساسات و این روحیه قابل تقدیر است

از سقز

شرعی با مضای صادق بقال با شی و چند نفر دیگر رسیده از رئیس شهربانی اظهار رضایت نمودند

نگرانی از زانده ما از زبانه وسیده بود که از دین رسیدن نامه های پشی اظهار نگرانی کرده بود موضوع با اداره پست تهران اطلاع داده شد خوشونتین ازین که برای رنج اشکالاتی از امر اقدامات لازمی از طرف اداره پست تهران بعمل آمده است

اطلاع

استیبال شایان خواننده گان کرامی از نامه کوهستان و مطالب وارده فراوان اجاب میکند که در روزنامه تردیکی بر مضامین و روزنامه افرو و با آنرا در قطع بزرگتری منتشر سازیم تا خواننده گان محترم خوانند که در این باب با ما دوستی و همکاری را در این تیریه ای نویسد نظریات سوم مراتب گردد

از مشترکتی که تا بحال وجوده آوشان را ردانته تانما به شرحه خود تر آنرا ارسال دارند مشترکتین شهرستان می توانند وجوه اشراک را توسط نایندگان ما ارسال داشته و با مستیایر مسته

حزن و اندوهی بیوه موت میگرفت اما میزیر نیکبخت که دیواره بجات اول مرتبکست و دیواره کبابیات زشتن را میبگرفت هراس پایتیکه از زشتین کبابیات آرنیکو لغرت و از نجرار شدیدی داشت نیتوانست ازینکه گردن نیافه این مرده که آنقدر پایتاقه برادرش متفاوت بود خودداری کند آرزو و بیکاره درجه با کک شکایت ساکت شد صدای سوتی از دالان فل بگوش رسیده چند اعطه بد و اقبال پر در غار ظاهر شد تارش بناری گراشت و با آنالادر رئیس دزدان ملایه کرد بعد پهلوی برادرش فرارگرت ماثو او را زانفال برسیه از دالتو چه سیر داری -- برای من غیر سگن بود که خبری از او بدست نیامود در -- مهناخا هیچکس از او حرف نیزد ماثو تانامی خودرا از دست آوردن پسر برای راهزنان بیسان کرده زانفال دودیده سخن خودگفت آبا ایجا پر در گزاره نیست هراس از تانیه اتان بی برده که او بسیار مضطرب و اندیشه ناک است بی از راهزنان در حالیکه خندید جوابداد ما چندان بدگوار کردیم از کنگسیا خیلی خبری لغت کردن ناسک مسته ؛ و سبب ساعت تلاقی غایم کلوانه را باو نشان دادند گفت کنگسین خیلی طول خواهد کشید تا آواز ها و با محالطه طنی شا ؛ بچین سودی و برایشان تانین آند از ارفال سات و پس داده گشت ؛ امیدوارم که راگزیر بر زمین خوبی نشده باشید هراس بسیار متوجع شد و وقتیکه او فرد دید که با یکچنین صدای جدی دودوزر ماثو هوا ک صحت میگفت

آفتوت او موافقی را به خاطر میآورد که قدر خوشبختی او را ندانست و او را آزرده بود -- پس بقود امیده وضعت خودرا میوه میرسد سکا بهاد دراین مکان بیخور و شر دردمت این خون خوردن جان سپارد - اندیشه مرگ فلای ورومش را و بیکاره از بیم میباشید او را آزار میداد ، مافوق از اوان کودکی مگر از خدا و دین برای او حرف زده بود ، خدا را نیوات دهنده گشتانواران باو معرفی کرده بود ، او خود بیرهباد ایمان داشت و او را از صمیم قلب پریشانیه ، اما حالا حالاکه گرفتار بدبختی شده است مثل آنکه آن عنبیه اولیه را از دست داده بود ، خدای مادرش را خدای خود نیدانست زیرا او فکر مگر با میبگرد و نیجات دهنده برای خود سینه بد... محبوس جوان در دریای فکر و خیال متفرق بود اما یزیدی رشت افکارش از هم گسخت ، از در فگار هدای یانی چند نفر شنیده شد ، لطفه بد و هر نان با شلمانی چند در دست وارد شده نوز مشطها بر او بار منظره ترسناکی بنار بخشیده بود ، همه خوشحال بودند سدهای خنده و خوشی از زبان آنها بلید بود ، ماثو در مقابل قتال حضرت بر سر مرقد آورده سپس در کنار میز قرار گرفت آرنیکو و یو در مقابل او در طرف دیگر سبب سز تنهنه آرنیکو بسیار خوشحال بنظر میرسد ، کبابیات چند یکی زشت تر از دیگری برای آن نال نماند کرد و مثل اینکه زشتی کبابیات او بی اندازه آنها محسوس کرده بود هراس با کمال مسرت او را میبگسرت او بر حست منوانست قبول کند که این شخص هسان مرد ساکت و بد اخلاقی است که بدچنگل همراه او بود با وجود این گاهگاهی آرنیکو و بیکاره ساکت میشد آن وقت یککلمات

